**انترناسیونال ۶۶۳**

**مصاحبه با علی جوادی**

**آیا اختلافات پایان گرفته است؟ تکلیف "برجام" چه میشود؟**

**انترناسیونال**: کشمکش بین جناحهای حکومت بر سر ریاست مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی به نفع باند خامنه ای پایان یافت و جنتی و لاریجانی این پست ها را در اختیار گرفتند. در عین حال بنظر میرسد که اصلاح طلبان و طرفداران دولت به این امر رضایت داده اند و همزیستی مسالمت آمیز و همکاری را به کشمکش با جناح مقابل ترجیح میدهند. آیا می توان این را نقطه پایانی بر اختلافات درونی رژیم دانست؟

**علی جوادی**: بهیچوجه. جدال جناحها و باندهای رژیم اسلامی علیرغم وحدت و صلح های مقطعی شان تا روز شیرین سرنگونی رژیم اسلامی ادامه خواهد یافت. این رژیم با تمامی تناقضاتش درهم کوبیده خواهد شد. صلح و سازش در مناسبات جناحها مقطعی و گذرا است. مساله این است که واقعیتی بیرون از موجودیت این نیروها بر مناسبات میان نیروها سایه افکنده است و آنها را هر بار کوبنده تر به جان هم می اندازد، زمین را زیر پایشان داغ میکند. این واقعیت چیزی جز جنبش توده ای و خواست عمیق جامعه برای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. این جنبشی دائمی است. گاه آشکار و گاه پنهان است. و تنها با از میان رفتن موضوعیتش، یعنی سرنگونی رژیم اسلامی، زوال خواهد یافت.

جدال جناحها بر سر ریاست مجلس خبرگان علیرغم انواع توطئه ها و بند و بستها بنظرم چندان هم به نفع باند خامنه ای به پایان نرسید. تحلیل های ظریف تر و تخصصی ترشان حاکی از این است که شاهرودی و یا لاریجانی کاندیداهای نزدیک تر به باند خامنه ای بودند. تعداد رای محدود این کاندیداها را نشان موقعیت تضعیف شده باند خامنه ای در کل دسته بندی های جناح راست قلمداد میکنند. جناح راست ریاست مجلس شورای خبرگان را از آن خود کرد، اما باند خامنه ای چندان موفق نبود. این دار و دسته راه پیچیده ای برای اعمال و تعیین جانشین او دارند. دعواهای تعیین کننده این دستجات در شورای خبرگان تازه در راه است.

در مجلس شورای اسلامی مساله به گونه دیگری است. نیروی جناحها بسیار سیال تر و متغیر تر است. لاریجانی کاندید اصلی جناح راست و "اصولگرایان" نیست. نیروی اصلی جناح راست با علم به اینکه کاندیدای مطلوبشان در هر رای گیری شکست خواهد خورد و راه برای پیروزی جناح اصلاح طلب هموار خواهد شد، رای سلبی خود را به لاریجانی دادند. در عین حال نیروهای که این روزها مد شده است با نام بی مسمای "مستقلیون" نامیده شوند، بخشا به لاریجانی رای دادند. به عبارت دیگر لاریجانی ریاست موقت مجلس را در یک پروسه ائتلافی نیروهایی از دو جناح از آن خود کرد. اما این ائتلاف شکننده است. بدون رای بخش قابل ملاحظه ای از "مستقلیون" دوامی نخواهد داشت و نتیجتا موقعیت خود را مدیون حفظ این "ائتلاف" شکننده است.

اینکه بخشی از اصلاح طلبان حکومتی از پیروزی خود دوری می جویند و فرار میکنند، واقعیتی است. عین این پروسه را ما در اوج قدرت جناح اصلاح طلبان حکومتی شاهد بودیم. زبونانه در مقابل حکم "حکومتی" خامنه ای در مورد "مطبوعات" سر خم کردند و پس از پروسه سرازیری خود را آغازکردند. این جناح از پیروزی خود میترسد. از این رو بخشی از متفکرین این جناح بر این باورند که "پیروزی" لاریجانی انتخاب بهتری برای آنهاست. اما این هراس توضیح بخشی از حرکت نیروهای این جناح است. در عین حال و همواره نگران "بهره برداری" نیروهای "برانداز" از پیشروی آنها هستند. این جریان در دوره طولانی بر این تصور کودنانه بودند که گویا نقطه سازشی طلایی میان مردم سرنگونی طلب و

رژیم اسلامی موجود است. بر این باور بودند که گویا میتوان رژیم اسلامی را اصلاح کرد و این هیولای اسلامی اصلاح شده را به خورد جامعه داد. از این رو بر سیاست "فشار از پایین و چانه زنی در بالا" تاکید میکردند. در پس اعتراضات ١٨ تیر به سرعت پی بردند که "فشار از پایین" عمدتا قابل کنترل و مهار نیست و مردم به سوت خاتمی دست از اعتراض نخواهند کشید. اکنون و پس از برآمد جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در سال ٨٨، به این نتیجه رسیده اند که راه بقایشان درحکومت از مجرای "فشار از پایین" نمیگذرد. در این دوران نقطه اتکاء خود در تغییر مناسبات با غرب و مشخصا آمریکا دنبال میکنند.

انتخابات مجلس خبرگان و شورای اسلامی در عین واقعیت دیگری را در صف بندی جناحها به نمایش گذاشت و آن تقسیم جناح راست به "عقلا" و "تندروها" بود. منافع جداگانه و سیاستهای متمایز این دسته بندیها کلا به تشدید تناقضات درونی جناحهای حاکم می افزاید. رسیدن به توافقات را برایشات پیچده تر میکند. کار باند خامنه ای برای حفظ توازن قوا و تعادل میان این دار و دسته جات را پیچیده تر میکند. این اوباش خواهند کوشید تا با هم متحد شوند. اما امکان سازش و بند و بست را اعتراض جامعه عملا از پیش سد کرده است. دعواهای بسیاری در راه است.

**آنترناسیونال**: یک مسئله اساسی در اختلافات درونی رژیم مسئله برجام بوده است. با دست بالا گرفتن مخالفین برجام، تکلیف این قرارداد چه میشود؟

علی جوادی: برجام با توافق و چراغ سبز خامنه ای در دوران احمدی نژاد آغاز شد. تمدید موقعیت جناحهایی از راست در راس مجلس خبرگان و شورای اسلامی در دوران کنونی الزاما به معنای برچیدن بساط برجام نیست. بنظر من دعوا بر سر نفس برجام نیست. مساله به قول خودشان در مورد پس از برجام است. بر سر برجام ٢ و ٣ است.

خامنه ای در یک تغییر ریل آشکار که آن را "نرمش قهرمانانه" نام نهادند، پذیرفت که به مذاکره با آمریکا بپردازد و دست از پروژه اتمی حکومت اسلامی با کسب امتیازاتی دست بردارد. این پروسه بدون توافق اصولی خامنه ای امکان پذیر نبود. جناح روحانی و ائتلاف آنها به تنهایی قادر به پیشبرد این سیاست در میان صفوف نیروهای حکومت اسلامی نبود. این واقعیت را ما بطور ویژه ای در پروسه "تصویب" برجام مشاهده کردیم. خامنه ای با کج دار و مریز بسیار توانست این "توافق" را به جناحهای خودی بقبولاند. نتیجتا تا آنجا به نفس برجام برمیگردد، آینده اش از جانب جناحهای رژیم علیرغم جنجالها و هیاهوها چندان مورد "مخاطره" نیست. مساله ای اگر هست بر سر چگونگی اجرایی شدن و تفسیر از برجام و جدال طرفین بر سر تعهد به توافقات مندرج در برجام است.

حکومت اسلامی در حال حاضر شاکی است که طرف مقابل به تعهدات خود تماما عمل نکرده است. تمامی تحریمهای مورد اشاره لغو نشده است. میگویند بانکهای عمده غربی از باز نمودن اعتبارنامه های بانکی و ترتیب انتقالات ارزی خودداری میکنند. آمریکا عملا امکان استفاده از سیستم بانکی خود را به حکومت اسلامی نداده است.

از طرف دیگر مساله انتخابات پیشاروی امریکا نیز تردیدها و ناامنی های معینی در آینده این توافقنامه قرار داده است. یکی از وعده های کاندیدای منتخب حزب جمهوریخواه الغای این توافقنامه است.

همانطور که اشاره کردم دعوا بر سر برجام١ نیست. دعوا بر سر موقعیت جناحها پس از برجام است. در حال حاضر و پس از "تودهنی" محکمی که این جناح از مردم در پس مضحکه انتخاباتی اش دریافت کرد، جناح راست تمام نیروها و قدرتش را بسیج کرده است که جناح اعتدال طلب و اصلاح طلب حکومتی نتواند از نتایج برجام بهره برداری سیاسی بیشتری بکند. هدفشان تقویت نیروهای خودی و سازمان دادن تعرض در دوران مضحکه ریاست جمهوری شان است. نگاه شان به آنجاست. مساله جدی است. ائتلاف جناح اعتدال طلب و اصلاح طلب حکومتی بر این تصور است که تنها در پس بهبود مناسبات با غرب است که میتوانند شانسی برای بقاء داشته باشند. با روحیه غربگرای جامعه آشنایی دارند. میکوشند از این موقعیت برای بهبود مناسبات خود و جامعه بهره برداری کنند. جناح راست هم دقیقا این مناسبات و رابطه را نقطه ضعف رژیم اسلامی قلمداد میکنند. از این رو جانانه در مقابلش ایستاده اند.

یک رکن این جدال بر سر نتایج برجام در جامعه استوار شده است. یک جناح مدعی است که برجام تاثیری بر بهبود موقعیت مردم نداشته است. جناح دیگر معتقد است که در مدتی کوتاه شاهد تاثیرات بسزای این توافقنامه بر زندگی مردم خواهیم بود. اما هر دو جناح دروغ میگویند. مساله هیچ جناح بهبود موقعیت مادی و واقعی زندگی مردم نیست. دعوا بر سر برجام نه بر سر تاثیرات این توافق بر زندگی مردم بلکه بر سر موقعیت جناحها و سهم جناحها از قدرت است. این جدال در هر پیچ سیاسی تشدید خواهد شد.